

# رهائی



سال دوم ، شماره ۸۳  
بکشه: ۷ تیر ماه ۱۳۶۰  
بهسا: ۱۰ ربیعال

## برای انعکاس اخبار مبارزات توده‌ها

### نشریه سازمان وحدت کمونیستی

#### با کفایت‌ها در صحنه میمانند

به مجموعه‌ی لغات و اصطلاحات و الفاظی که جماعت معمم از ابتدای جهیدن بر آرایه‌ی قدرت به کار گرفته‌اند، کفایت (یا عدم کفایت) سیاسی هم اضافه شد. به این ترتیب، دیگر از حقیقت، تقوا، فضیلت، شرف، شهادت، پرهیزکاری، عدالت و بسیاری چیزهای دیگر گرفته تا برسد به کفایت سیاسی، همگی در انحصار حزب حاکم است. تاریخچه‌ی کوتاه و بر افتخار حزب جمهوری اسلامی سراسر لبریز از کفایت و لیاقت است. اگر اعضای مانند سران حزب تا امروز از روی تواضع بر کفایت سیاسی خود تکیه نکرده‌اند، دلیل بی کفایتی شان نیست. هر ورقه‌ی تاریخ حکومت حزب جمهوری اسلامی دفترست است در باب لیاقت و کفایت.

از کفایت رفیای فعلا مغلوب منجمه فرماندهی کل قوای سابق که در اوایل جنگ مدعی بود طرف با نسزده روز عراقیها را از خاک ایران بیرون خواهد کرد ولی در مدت ماهی که که فرماندهی کل قشون اسلام بود، عراقیها همچنان در خاک ایران بودند و هستند که بگذریم، در اینجا به یکی از درخشانترین بارقه‌های کفایت و لیاقت

بقیه در صفحه ۶

#### تهاجم رژیم و وظایف ما

طی چند روز گذشته رژیم مرتجع جمهوری اسلامی به بیرونی از اسلاف فاشیست خود، به یورش تازه و حساب شده‌ای علیه نیروهای انقلابی و مترقی دست زده است. یورش همه جانبه‌ی اخیر بدنبال کنار رفتن جناح بنی صدر از حاکمیت و با هدف تثبیت رژیم که هم اکنون توسط جمهوری اسلامی و شرکاء مکتبی دنبال میشود، صورت میگردد. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پس از گذشت قریب به دو سال و نیم از عصر ننگینش، هم اکنون در باطنی از بحرانهای عمیق اقتصادی - سیاسی - اجتماعی دست و پا میزند و از اینرو هیچ چاره‌ی دیگری جز توسل به سیاست سرکوب‌خس و عربان، نهادهای ساختن اختناق و لگدمال کردن تمام و کمال دستاوردهای قیام بیستم ماه، برای ابقاء موجودیت منحوس در دسترس ندارد. سرکوب و کشتار آخرین حربه‌ی رژیم جمهوری اسلامی و در واقع آخرین حربه‌ی همهی رژیمهای مرتجع تاریخ میباشد. نگاهی به دوران سلطنت رژیم فاشیستی شاه نشان میدهد که سرکوب و خشونت آشکار، آخرین و تنها دستاویز شاه برای حفظ حکومت دیکتاتوری و آخرین تلاش بمنظور جلوگیری از سقوط محتوم بود. رژیم جمهوری اسلامی نیز در حال حاضر چاره‌ای جز شدیدترین سرکوب‌نمی بیند زیرا که بطور سیاستهای در مسان و وسیعترین توده‌ها منزوی و افساء شده است. رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون پس از گذشت قریب به ۳۰ ماه حاکمیت، ۳۰ ماه عوامفریبی و دروغپردازی، ۳۰ ماه فساد، دزدی و جپاول، ۳۰ ماه وعده و وعید و حرفهای شو خالی، ۳۰ ماه حبس و شکنجه و اعدام... حقانیت خود را از دیدگاه توده‌های میلیونی از دست داده است و هیچ راه دیگری جز حکومت بزور نیزه در مقابل آن وجود ندارد. فقط در هفتده گذشته دهها تن که بسیاری از آنان انقلابیون شناخته شده و از زندانیان سیاسی هر دو رژیم (آریامهری و اسلامی) به حساب میآیند، به جوخه‌ی اعدام سپرده شده‌اند. این اعدامها بدون محاکمه و بدون رعایت ابتدایی ترین ضوابط حقوق انسانی و بطور خلق التاعه صورت گرفت، چرا که رژیم ددمنش به گمان عیب بر آن بود که از مبارزین زهرچشم بگیرد. و جواب موج تظاهرات و حرکتیهای اعتراضی توده‌ها را با اعدام زندانیان سیاسی که بنا به قوانین فوق ارتجاعی خودش نیز زندانی سیاسی به حساب میآمدند، پاسخ گوید.

بقیه در صفحه ۲

#### در این شماره:

\* اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان (۵)

\* بازگشت "شیطان بزرگ"

\* بنیاد مستضعفان "در غم خارجیان" مستضعف

\* اخبار

## تهاجم...

براستی که ارتجاعیون جمهوری اسلامی بسیار بیش از مرتجعین آریا مهری پیش رفته اند. اعدام زندانیان سیاسی البته امری بسیار بیهوده نیست لیکن وسعت ابعاد این امر به واقع که بی سابقه است و نشان از ددمشی قرون وسطایی و کینه های عمیق رژیم نسبت به انقلابیون و کمونیستها دارد. رژیم ضد خلقی نه تنها از اعدام جوانان از جمله نوجوانان ۱۶ و ۱۷ ساله فروگذار نکرد بلکه حاکم شرع مرتجع دادگاههای به اصطلاح انقلاب بنا بپیش می کشد نظیری اظهار داشت که رژیم اسلامی حتی از اعدام دختران ۹ ساله نیز ایبایی نخواهد داشت زیرا که مطابق قوانین شرع دختر ۹ ساله نیز بعزت بلوغ سنی طبق قوانین اسلامی میتوان اعدام نمود.

در جریان زد و خوردهای هفته گذشته که در همه ی شهرهای بزرگ و حتی برخی از شهرهای کوچک ایران صورت گرفت، رقم دستگیرشدگان از چندین هزار تن فراتر رفت. تنها در نظاهرات وسع و خونین روز شنبه در تهران بقول خود رژیم بیش از ۴۰۰ تن دستگیر و روانه زندانهای قرون وسطایی جمهوری اسلامی شدند. مسجود دستگیری و احتناق سپهره سرکوب ختن و عربان هم اکنون نیز بشدت ادامه دارد و رژیم مرتجع بر آن است که به هر قیمت که لازم آید نیروهای انقلابی را سرکوب و مبارزات نوده های را به شکست کشاند.

حال در مقابل یورش سیمانه رژیم چکار باید کرد؟ اکثر بیدیریم که برنامهای رژیم، سرکوب همه جانبه به منظور تثبیت حاکمیت خویش است و این امر در درجه اول از طریق ناسودی نیروها و سازمانهای انقلابی صورت میگیرد، آیا میتوان با فعالیتهای پراکنده گذشته در مقابل حرکت تعرضی رژیم ایستادگی نمود. پاسخ قطعا منفی است. شرایط امروز، برنامه و سیاست نویسی را از جانب جریانهای انقلابی طلب میکند. امروز نه تنها باید در محنه حضور داشت بلکه باید یکبارجه و متحد در محنه حضور پیدا کرد. تشکیل صفوف متحد جبار امروز فقط یک ضرورت نیست بلکه فقدان آن فاجعه خواهد آفرید. اگر کمونیستها نتوانند حول یک پلتانقرم سیاسی اتحاد عمل متحد شوند و با سایر نیروهای انقلابی در مقابل یورش ارتجاعی حاکمیت مقابلگی و مقاومت کنند، اگر نوده های مردم بدون سازمان و حداقل شکل بحال خود رها شده و برای مقابله با ارتجاع سیم انقلابی شوند، مبارزات پراکنده آنان نیز بزودی به رکود خواهد گرائید و عنتریب روحیه سرخوردگی و باسیر جنبش نوده ها مسلط خواهد شد. نوده ها همسر روز و هر ساعت بدون اینکه به نتایج ملموسی از مبارزات خود دست یابند، بمیدان نخواهند آمد. نوده ها بدون آگاهی و شکل قادر نخواهند بود که به مبارزه دراز مدت روی آورند و آنگاه با خارج شدن نوده ها از صحنه، زمینه انزوا ی نیروهای انقلابی و شکست جنبش آماده خواهد شد. پس باید هر چه زودتر دستمست بکار شویم. باید صفوف، چپ را متحد نموده و برای بسیج سیاسی و دراز مدت نوده ها برنامه داشته باشیم. برای خنثی کردن تهاجم رژیم با سایر نیروهای انقلابی غیر کمونیست در موارد مشخصی همکاری داشته باشیم. راز موفقیت در همین است.

و اما سخنی چند در مورد تاکتیکهای مبارزه. ابتدا نظاهرات اعتراضی و افشای سیاستها و اقدامات رژیم، حضور در صحنه و تشدید جو سیاسی موجود بخودی خود هر چند مفید و لازم است لیکن در شرایط حاضر بهیچوجه کافی نمیباشد. استراتژی مرحله ای رژیم، حمله و سرکوب و بدنبال آن حاکم ساختن جو اختناق مطلق است. رژیم چنانکه گفته شد برای مسلط کردن روحیه ترس و وحشت و ارعاب مبارزین و نوده ها به اعدای دست جمعی زندانیان سیاسی روی آورده است و قدرت سرکوب خود را

به نمایش میگذارد. در چنین شرایطی تعرض متقابل از جانب نیروهای انقلابی بهترین دفاع است. به گمان ما در وضعیت امروز با اتخاذ تاکتیک تعرض انقلابی (در کنار سایر اشکال مبارزات نوده ای) میتوان رژیم را در تنگناهای جدیدی قرار داده و به عقب راند. این سیاست چنانچه از جانب همه ی نیروهای انقلابی بمشابهی تاکتیک مبارزه در شرایط حاضر اتخاذ شود، در خنثی کردن یورش سیمانه رژیم و عقب نشاندن آن بسیار موثر خواهد بود. باید متذکر شد که اتخاذ سیاست تعرض انقلابی در حال حاضر بمنظور بسیج نوده ها و یا دعوت آنان به جنگ مسلحانه علیه رژیم ضرورت نمیگردد. تعرض انقلابی تاکتیک دفع حملات رژیم است، و نه تاکتیک سرنگونی آن. انقلابیون کمونیست فقط از طریق کار متحد بین نوده های زحمتکش و جلب حمایت آنان خواهد توانست با رژیمهای سرمایه داری و از جمله رژیم جمهوری اسلامی به مصاف نهایی برخیزند و در این حال جنگ مسلحانه نیز تنها با شرکت وسیعترین نوده ها به ساقط شدن حاکمیت و استقرار حکومت زحمتکشان خواهد انجامید. پس در شرایط حاضر تعرض انقلابی بمشابه یکی از مهمترین تاکتیکهای موثر برای بی اثر ساختن تهاجم سرکوبگرانه رژیم و عقب زدن آن باید مورد توجه همه ی انقلابیون و مائلاخن کمونیستها قرار گیرد. در کنار استفاده از تاکتیک تعرضی باید به سازماندهی مقاومت نوده ای در مبارزات خیابانی و نظاهرات و غیره نیز توجه داشت. مقابله با یورش دستجات سازمان یافته ی حزب الله و جمافداران و چاقوکنان وابسته به حکومت که این روزها از حمایت آشکار و مستقیم پاسداران سرمایه برخوردارند تنها از طریق ایجاد هسته های مقاومت نوده ای امکان پذیر است. زمانیکه عوامل سرکوبگر رژیم بسیار متکثر بمیدان می آیند مبارزین نیز باید متکثر شده و با ایجاد هسته های مقاومت و مقابله با دستگاه سرکوب حکومت مصاف دهند. با همه ی این احوال نباید تصور کرد که بعزت تشدید جو خفقان و یورش سرکوبگرانه رژیم زمان و امکان نداشت فعالیت علنی و نیمه علنی بالکل به سر آمده و فقط تاکتیکهای غیر علنی - از جمله تعرض سازمان یافته - در دستور کار است. به اعتقاد ما چنین نیست. هنوز علیرغم همه ی تلاشها و تشبیهات رژیم و علیرغم کاهش یافتن امکانات فعالیت علنی، فضای نسبتا وسیعی برای مبارزات علنی و غیر علنی وجود دارد. بخش اعلامیه، تراکت، شعار نویسی، نظاهرات موضعی و غیره. البته با محدودیتهای بیشتر نه تنها امکان بدیزد بلکه باید در دستور کار قرار گیرند.

تمام سعی رژیم بر اینست که سازمانهای انقلابی را وادار به مبارزه ی گاملا مخفی - که طبعاً با محدودیت های بسیاری نیز همراه است - کند. اما تا واقعا چنین شرایطی پیش نیامده، ما نباید از بیش چنین وضعیت را بخود نحلیل کنیم. اختناق هنوز بهیچوجه سیستماتیکه و نهادی نگشته است و لذا میتوان با در نظر گرفتن برنامه های حساب شده دست به کار فعالیتهای سیاسی علنی و نیمه علنی شد و آنرا تداوم بخشید. نظاهرات وسیع ۱۰۰ هزار نفری شنبه گذشته (۳۰ خرداد) و نمایش قدرت علنی که با روحیه ی تعرضی و انقلابی همه ی نوده های شرکت کننده صورت گرفت و متعاقبا فرار دستجات حزب - الله و اوباشان رژیم را موجب شد، نشان دهنده ی امکان در سطح علنی است که باید کماکان هر چند در مقیاسهای کوچکتر ادامه پیدا کند. ما از گذشته درس گرفته ایم. درسی که به قیمت قبضه شدن رهبری جنبش در دست جریان های غیر پرولتری و از جمله جناحی از عقب افتاده ترین نشر خرده بورژوازی و نمایندگان "مکتبی" آن تمام شد. درسی که به قیمت سرکوب کمونیستها و همان انقلابیون راستینی که در صفوف حکومت شاه نقش به سزایی داشتند بقیه در صفحه ۶

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

# اسناد مربوط به بنیاد مستضعفان:

## ۵- دزدیها و چپاول ثروت زحمتکشان

در شماره های گذشته اسنادی را ارائه دادیم که گوشه هایی از حیف و میلها و حاتم بخشی ها و دزدیهای آیت اللهیهستی و همدستان او را نشان میداد. همچنین دیده ایم که اموال مصادره شده از سردمداران رژیم سابق، چگونه تاراج شده است. بخش عظیم آن با کامیون به مقاصد نامعلوم برده اند و معلوم نیست که چه سیر آنها آمده است. (برای یک نمونه از آن مراجعه شود به سندی که در شماره مجاهد بجاب رسید) و بخش کوچکی از آن که خود میلیاردها تومان ارزش داشت بطوریکه در قسمت قبلی این سلسله اسناد دیده ایم توسط بانکد بهشتی و عمده واکره ولایت فقیه به عده ای از سرمایه داران با - زار به ۱۲ میلیون تومان فروخته شد. در همان سند دیده ایم که نه نوع و جنس و وزن و سایر مشخصات آن "اجناس" فروخته شده معلوم بود، نه غالبا خریدار و فروشنده، نحوه و محل فروش. و گفته ایم که غالبا ارزباب و فروشنده و خریدار یک فرد بوده اند و با در بهترین حالت، خریدار همدست ارزباب و فروشنده بود. در این شماره، نمونه ای دیگر از این چپاولگریها را ارائه میدهیم. سند شماره ی قبل مربوط به "اموال و اناشاهی منزل" بود (و دیدیم که "اموال و اناشاهی منزل" همه چیز، از گاو و کوسفند و سگ و سن و ماسه و طلا و نقره و ارز خارجی و تریاک و غیره) را شامل میشد. سند این شماره مربوط است به "فروش طلا و نقره و جواهرات" (در اینجا هم می بینیم که علاوه بر "طلا و نقره و جواهرات"، اجناسی نظیر "خودنویس"، "متفرقه"، "ماشین حساب"، "اجناس متفرقه" و "ارز" وجود دارد). در مورد "طلا و نقره و جواهرات" (همانطوریکه درباره ی "اموال و اناشاهی منزل" دیده ایم و با درمورد قرشها بعدا خواهیم دید)، آنچه طبق سند زیر بقسروش رفته، بخش ناچیزی از مجموعی طلاها و نقره و جواهرات، مصادره شده است بخش اعظم آن با سر ضرب و در محاسبات، یا در سین را و یا در اربابها دزدیده شده است. در این سند در مواردی که وزن و فی مشخص نشده است اولاً مشخص نیست که وزن واقعی آن همان مقدار بوده است یا خیر، زیرا که فروشهای بنیاد عموماً در "محاسبات دوسانه" صورت میگرفت. گفته ایم و تکرار میکنیم که اگر فروشنده و خریدار و ارزباب هیچ فرد واحد ننشوده، در بهترین حالت از افراد و همدستان یک بانده بوده اند. اگر فی در آنزمان به قیمت بازار هم نبوده باشد (که قابل بررسی است) طلا یا نقره و جواهرات بصورت خام یا ساخته شده و یا عبار آنها میتواند متفاوت باشد مثلاً جز در چند مورد، عبار طلا ذکر نشده است. از این موارد که بگذریم، همانطوریکه در سند فروش "اموال و اناشاهی منزل" دیدیم، در اینجا نیز برای سرپوش گذاشتن بروی ایجاد و حشمتناز دزدیها و غارتگریها به ذکر عبارات کلی اکتفا شده است بدون اینکه وزن، عبار، نوع و سایر مشخصات ذکر شود. به نمونه های زیر توجه کنید:

"ساعت رومیزی"، "۱۲ عدد ساعت طلای زنانه و مردانه"، "دو عدد ساعت"، "۴ عدد ساعت رولکس و ساعت طلا"، "۱۷ عدد انواع ساعت"، "ساعت ۱ عدد بندی"، "۸۲ عدد ساعت گردنبند طلا"، "۹ عدد ساعت گردنبند طلا"، "سعدادی ساعت های دست دوم" بدون ذکر هجرتونه مشخصات به فلان مبلغ فروخته شد.

● ۲۶ قطعه انواع جواهرات، "جواهرات"، "مروارید"، "طلا و غیره" (؟)، "شمس ۸/۸ و نقره و سکه و مروارید"، "فروش طلا" (؟)، "۵۶ قطعه جواهر و ساعت"، "۲۸ قطعه دستبند، گردنبند، سنجاق طلا و برلیان و مقدارن سنجاق و انگشتر با سنگهای برلیان و متفرقه" (؟)، "سرویس جواهر" (؟)، "متفرقه" (؟)، "سکه و طلا"، بدون ذکر وزن، تعداد، عبار، و غیره به فلان مبلغ فروخته شده، آریا آنچه اینطور چکی فروخته شده دهها بار صدها برابر آن ارزش داشته است؟

● ۱۲۷۱۸ مثقال (؟) فی ۹۳ ریال، "۶۶ مثقال (؟) فی ۹۵ ریال" که جنس آن معلوم نیست و معلوم نیست که آنچه فی ۹۳ یا ۹۵ ریال فروخته شده نقره بود یا طلا، الماس یا برلیان؟

● ارز به مبلغ ۲۲۳۵۰۰ ریال چه نسوع ارزی بوده؟ از کجا بدست آمده، چه مقدار بوده؟ فروشنده کیست؟ خریدار چه کیست؟ آن "ارز"، چند ده یا چند صد برابر مبلغ فوق ارزش داشته است؟ هیچ معلوم نیست.

کنشی دیگر درباره ی این سند اینست که فروشنده و کارشناس، محل و نحوه فروش و ارزباب، هیچ مشخص نیست. اغلب خریداران نیز معلوم نیستند. در مقابل نام خریدار گاهی مثلاً "حاج حسن" یا "اصفهان" ذکر شده است. در مواردی که نام خریدار معلوم شده، مشاهده میشود که اغلب نام چند خریدار تکرار میشود.

در سند شماره ی ۱۳۸۹ مبلغ صدهزار تومان به جواهری متفرقیان (همان فردی که چندی پیش در حین خارج کردن ۵۰ میلیون تومان جواهر در فرودگاه مهرآباد بهمراه زینت توفیق شد و بلافاصله با عزت و احترام آزاد شد) معلوم نیست چه چیزی فروخته شده زیرا در مقابل ردیف "جنس هیچ چیز حتی مثلاً همان عبارت کلی فلان "قطعه انواع جواهر و متفرقه" نیز ذکر نشده است.

خلاصه کنیم، همانطوریکه گفتیم از میلیاردها تومان طلا و نقره و جواهر که سرخوب بفارت رفته و سر به نیست شده است که بگذریم همین بخش ناچیز از طلاها و نقره ها و جواهرات هم که بفروش رفته، با توجه به آنچه گذشت آیا ارزش واقعی آنها فقط ۱۳ میلیون تومان بوده؟ یا ۱۳۰ میلیون تومان؟ یا ۱۳۰۰ میلیون تومان؟ دزدان و غارتگر-ان ثروت متعلق به زحمتکشان، با بکار بردن انواع و اقسام حیلها و نکردها، فعلاً بروی آن سرپوش گذاشته اند. همانطوریکه دزدیها و غارتگریهای رژیم شاه برای همیشه مخفی نماند، دزدیها و غارتگریهای رژیم جمهوری اسلامی نیز مخفی نخواهد ماند.

شماره مبلغ بریال نسوع و مقیدار جنسی خریدار ملاحظات

حاج قراين الصرافيه ني. عضويت مديره سابق صنف ساعت طلا، جواهر فاکتور ضمیمه نیست	۴۶ قطعه انواع جواهرات	۲/۱۸۵/۹۷۰	۳۰
فروشگاه حاج علی هراتی مشخص نیست چه تعداد سکه و از چه نوع بوده است	جواهرات مروارید	۲/۰۰۰/۰۰۰ ۱۷۰/۰۰۰	۳۲ ۸۹
فروشگاه حاج علی هراتی سرای طالقانی سرای آرامنه سابق	۸۶۹۱/۵۰۰ گرم سکه طلا فی ۶۹۲/۵	۶/۰۲۴/۴۶۰	۱۲۲
	لوح طلا بدون حرف، ۲۰/۵ عبار ۱۰/۹۹۶ گرم فی ۶۴۳/۵	۷/۰۷۵/۶۸۰	۱۲۳



حاج کریم کاظمی	" طلا و غیره ۵۳/۲۵۰ گرم طلا فی ۶۰۳	۹۱/۳۸۰	۱۲۴	
آریسا حاج کریم کاظمی	سکه ۲۲ عیار ۲۷۸۲/۵۰ گرم شمش ۸۱۵ و نقره و سکه و مروارید ۱۱/۶۶۰ گرم طلا ۱۸ عیار فی ۶۱۰	۲۲/۱۰۰/۰۰۰ ۴/۲۶۹/۴۸۰	۱۷۷ ۱۷۸	
هراتی حاج کریم	سکه ۷۴ گرم ۹۰۰ عیار فی ۷۴۰ ۴۷۲/۸۰۰ گرم طلا ۱۸ عیار فی ۶۱۰ و طلا و سکه - ۱۹۲۴ گرم طلا ۹۰۰ عیار و ۱۹۲۳ گرم طلا ۸۲۰ عیار و ۱۴ سکه که مشخص نیست سکه چه بوده اند	۲/۲۰۰ ۲۸۹/۰۱۸ ۳/۱۲۶/۸۶۰	" ۳۵۴	
انقلاب روبروی تهران بالان + خیابان جمهوری	جوهری اونیورسال	تعداد ۴۱ عدد ساعت... کار ، اونیورسال و غیره	۶۲۰/۰۰۰ ۴۴۳	
مال بحر	محمود چوزدانی	۶۲ کیلو نقره فروش طلا طی فاکتور ۵۲۳	۹۹۰/۰۰۰ " ۵۰۷	
لاله زار	سید مهدی شادخواب عباس گوهر بین	۵۴/۳۲۱ مثقال نقره فی ۹۵ ریال ۲۳/۵۲۰ مثقال ۷۵ ۵۴/۱۳۰ مثقال نقره فی ۱۱۰ ریال ۵۶ قطعه جوهر و ساعت ( چند فاکتور ۱۰۸ قطعه یا مبلغ بیشتر ) ۸ قلم خودکار ، خودنویس ، ماشین حساب دو عدد ساعت ۹ عدد ساعت گردن بندی طلا تعدادی ساعت های دیت دوم ۱۲/۷۱۸ مثقال فی ۹۳ ریال ۶۶۶ ۹۵	۱۲/۸۷۴/۴۹۰ ۴/۴۲۰/۰۰۰ ۱۲۵/۰۰۰ ۸۵/۰۰۰ ۱۱۷/۰۰۰ ۱۵۰/۰۰۰ ۱/۲۴۶/۱۱۹	۵۵۶ ۶۴۹ " " " ۷۴۰
واسطه است	سید احمد الاسباع ذکر نشده	۲۱ قطعه دستبند ، گردن بند و سنجاق طلا و برلیان و مقداری سنجاق و انگشتر یا سنگهای برلیان و متفرقه سرویس جوهر ۱۰/۰۶۹ مثقال نقره به قیمت های مختلف باضافه بول خرد ، قوطی سیگار ، فنک ارز ۶۶ کیلو نقره ( ۱۴۳۲۲ مثقالی فی ۱۱۰ ) ۸۴/۴۴۱ مثقال فی ۱۱۵ ریال ۱۹/۵۴۷ مثقال فی ۹۵ ریال	۱/۸۵۰/۰۰۰ ۱/۲۰۰/۰۰۰ ۱/۲۳۰/۸۰۰	۸۰۶ ۹۰۵ ۹۱۶
اصفهان	حاج حسن حجت عزیزی	متفرقه نقره و اجناس متفرقه سکه و طلا	۲۲۲/۵۰۰ ۱/۵۷۵/۴۲۰ ۹/۷۱۰/۷۱۵ ۱/۸۵۶/۹۶۵ ۵۶/۰۰۰ ۱/۳۱۸/۵۰۰ ۶۸۴/۹۳۰ ۴/۵۱۹/۹۵۰	۶۸۷ ۱۳۴۰ " " " " " "
جمع		۱۹/۷۲۲/۴۷۰		
( اختلاف مبلغ طی سند ۱۳۸۹ برگشت شده است )		۳۳/۹۰۱/۲۸۰	( جمع طبق سند )	
چهار راه لاله زار - مرتضی مظفریان	چوهری مظفریان جوهری اونیورسال جوهری مظفریان برمکی	۸۲ عدد ساعت گردن بندی طلا ۱۲ عدد ساعت طلای زنانه و مردانه ۴ عدد ساعت رولکس و ساعت طلا ۱۷ عدد انواع ساعت	۱/۰۰۰/۰۰۰ ۱۳۸۹ ۱/۰۶۶/۰۰۰ " ۴۶۹/۰۰۰ " ۱۱۳/۰۰۰ " ۷۷۸/۰۰۰ "	
جمع		۳/۴۲۶/۰۰۰		
ذکر نشده	فروشگاه مظفریان ذکر نشده	۴۵۷۰ مثقال نقره x ۱۴۰ ریال ۲۱۳۶ مثقال نقره ۱۱۵ ریال ساعت رومیزی ساعت ۵ عدد بندی	۶۳۹/۸۰۰ ۱۵۸۰ ۲۴۵/۶۴۰ " ۲۴۰/۰۰۰ " ۱۴۰/۰۰۰ "	
جمع		۱/۲۶۵/۴۴۰		

قسمتی از متن اصلی سند

۲۵۷	۲۶۹,۱۰۰	۱۵۸۰
۱۱۵	۲۶۵,۶۴۰	
۲۴۵		
۲۴۰		
۱۴۰		
۳۳۳,۱۰۰	۱,۲۶۵,۴۴۰	۱۵۸۰

۱۳۲۱۹۲۷۸۷

بازگشت "شیطان بزرگ"

باز هم فریادهای "ضد امپریالیستی"، رهبران جمهوری اسلامی بر به آسمان کشیده است. رهبران حزب جمهوری، فقط جناح مغلوبی صدر را به آمریکایی بودن منتسب می کنند و باز عوامفریبانه شعار (و واقعا شعار و نه عمل) "مرکز آمریکا" را سر می دهند. ولی صداقت رژیم جمهوری اسلامی در طرح این شعار را فقط حزب توده و فدائیان (اکثریت) باور دارند. برای درک واقعیت بهتر است مطلب زیر را که ترجمه ای از صفحه ای "بازار بین المللی" مجله نیوزویک ۲۲ ژوئن ۱۹۸۱ (۶۰/۴/۱) است، با هم بخوانیم:

تجارت آمریکا با ایران

۵ ماه پس از آزادی گروگانهای آمریکایی و رفع ممنوعیت تجارت با ایران، صدور کالاهای آمریکایی به جمهوری اسلامی رو به افزایش تدریجی است. پس از سقوط صادرات از ۳/۷ میلیارد دلار به رقم نا چیز ۲۳ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰، میزان صادرات آمریکا به ایران طی ماه ژانویه تا آوریل به رقمی معادل ۷۰ میلیون دلار رسیده است. لیکن، بخش بسیار بزرگتری از کالاهای آمریکایی از طریق واسطه ها بدست خریداران ایرانی میرسد که بعضا مقری برای خود دارای در دسر اعلام چرمبازی است که در حقیقت خطری برای خریداران ایرانی و همچنین صادر کنندگان آمریکایی محسوب میشود. براساس گزارش وزارت بازرگانی آمریکا، از زمان آزادی گروگانها بعد حدود ۷۰۰ سؤال در باره چگونگی برقراری مجدد معاملات تجاری با ایران توسط ایسمن وزارتخانه دریافت شده است، که بیشتر آنها در عکس العمل به تقاضای بازرگانان ایرانی برای خرید وسایل و با لوازم یدکی آمریکایی بوده است. صدور کتدم که بطور غیر رسمی در دوران بحران گروگانها توسط کارگران سادر آمریکا به ایران متوقف شده بود دوباره آغاز شده است.

"بنیاد مستضعفان" در غم خارجیان "مستضعف"

به لطف افشاگریهای فراوانی که درباره ی غارت دسترنج زحمتکشان ایران توسط هیات حاکمه، صورت گرفته، دیگر بر همگان آشکار شده است که "بنیاد مستضعفان" در واقع بنیاد بازاریبان و ملایان و اعوان و انصارشان است و کاری جز پر کردن کبسه ها و جیبهای آنان ندارد. سندی که در اینجا چاپ میکنیم صرفا نشان دهنده ی درجه ی وقاحت این دزدان است. اینها که خودخوانده شان را با خانه های بزرگ شمال تهران، ویلاهای شمال ایران و اتومبیل های آخرین مدل - دارای بخش صوت و کولر و شیشه رنگی (مجاهد ۱۲۴) - مجهز کرده اند، در همان حال آلونکهای زحمتکشان را در خاک سفید و گرم دره با بولدوزر بر سرشان خراب میکنند، اکنون بگفتر آن افتاده اند که باقیمانده ی خانه ها و ویلاها را به منبع درآمد دیگری تبدیل کنند.

در همان حالی که خمینی و پادوهایش فریب داد برآورده اند که "در گذشته شما نوکراجان بودید و روحانیت شما را آزاد کرد"، در همان روزهایی که رژیم جنایتکار خمینی دهها نفر مبارز را "نوکر شرق و غرب" معرفی می کند... و در همان حالی که بیش از دو میلیون زحمتکش ایرانی در اثر جنگ ارتجاعی دو رژیم خونخوار ایران و عراق آواره و بی خانمان شده اند، و برای تکمیل "موهب الهی" زلزله خانه های روستاها بی چیز کرمان را بر سرشان خراب میکند... درست در همان حال "بنیاد مستضعفان... مایل به عقد قرارداد اجاره یا خارجیان میباشد".

آیا رژیم خمینی که دارایی ناچیز توده های ستمدیده ی ایران را با حبله های گوناگون - حساب ۱۰۰، ۲۲۲، ۸۸۸، ۰۰۰... از جنگان خارج کرده، میلیونها نفر را آواره و میلیونها نفر را بیکار کرده، و به این ترتیب "مقداری نیروی کار در تمام ایران" بدست آورده "مایل به عقد قرارداد فروش" برده و به خارجیان، با داخلیان، نخواهد بود؟ اگر فرصت پیدا کند، مسلما مایل خواهد بود، زیرا اولاً "هدف دولت این است که اقتصاد ایران را از اتکا به نفت نجات دهد" و ثانیاً اسلام عزیز هیچ شوع معاملهای را - به جز معاملاتی مسکرات - منع نکرده است!

مذهب بهتر است یا هروئین

"امور سیاسی در ارتش از هروئین بدتر است... امور سیاسی... باطن ارتش را از سین می برد... نگذارید سیاسیون که خواهند در آنجا (ارتش) مسائل سیاسی بگویند، در آنجا صحبت کنند البته باید موعظه بکنند... نجاعت را به آنها یاد بدهند. اینها همهاش خوب است..."

(تاکیدها از ماست) خمینی، خطاب به فرماندهان ارتش - یکشنبه ۲۴ خرداد - به عقیده ی - درست - بنیانگذاری خلافت جماعتاران، موعظه "برای" یاد دادن شجاعت - یعنی تحمیق و تخدیب، سربازان و تشویقان به کشته شدن برای حمایت و حفظ رژیم سرمایه داری اسلامی - بسیار "خوب"، و حتی از هروئین هم موثرتر است. هنوز هیچ مادی مخدردی کشف یا اختراع نشده است که بتواند به این کارایی، تعدادی این چنین بزرگ از زحمتکشان و محرومان را بر علیه منافع طبقاتی خودشان، و به نفع استثمارگران بسج کند و "به راه بیاورد". البته مسأله اصلی هروئین نیست، بلکه "امور سیاسی" یا "به عبارت بهتر، شعور سیاسی است، و صرفاً خرافاتهای جمهوری اسلامی این است: "مرگ بر شعور سیاسی، زنده یاد موعظه!"

متن اصلی سند

Official document from the Islamic Republic of Iran. Header: جمهوری اسلامی ایران - وزارت معارف. Address: تهران، پلاک ۱۷۱، دفتر شماره ۳. Date: تاریخ ۱۳۰۲/۱/۱۳. Number: شماره ۱۱۳۰۰۱/۱۳۰۰۲. Content: فقره ی پایک ووارتتاً مورخه ۲۴ خرداد ۱۳۰۲... (Text regarding religious and political matters). Footer: وزارت معارف - شماره ۱.

با کفایت ها...

در سخنرانی محبت الاسلام خامنه‌ای در مجلس اسلامی، بحث بر روی عدم کفایت سیاسی رئیس جمهور، اشاره شد، آنجا که او از نامه‌ای که چند روز پیش از سقوط خرمشهر برای بنی صدر نوشته و نسخه‌هایی از آن را - به گفته‌ی خودش - برای ثبت در تاریخ " به تمام مراجع و دستگاه‌ها و بیگانه‌های مملکت سپرده است. در بندی از این نامه که معرکه‌گیر ظوهری جمعه آن را با لذت و افتخار در مجلس فرائض کرد، به فرماندهی کل قوا توصیه شده بود که یک گردان پیاده موتوریزه این طرف‌اهواز و یک گردان زرهی در آن سوی مستقر کنند (و توضیح می‌دهد که باید گردان پیاده مکانیزه هم این کار عملی است) و به این ترتیب، نه تنها از خرمشهر و آبادان و اهواز دفاع کند بلکه دمار از روزگار دشمن متجاوز در بیاورد. البته به این نقشی جنگی آسید علی روضه خوان توجه نشد و خرمشهر سقوط کرد.

لایذ اگر خود آقای خامنه‌ای نقشی نبود آمیزش رادر مجلس فایز نکرده بود، فرماندهان ناتو و فرشو در بدر به دنبال این طرح نظامی ناپلئونی - روملی می‌گشتند که چگونه باید با استقرار یک واحد در این طرف‌شهر و یک واحد در طرف‌دیگر آن، از شهر دفاع کرد. چرا که در تاریخ نظام‌مبتری هیچ‌کس تا به حال به فکرش نرسیده بود که برای دفاع از یک شهر لازم است که اطراف آن - با استقرار نیروهای جنگی و استحکامات حفظ شود.

البته نمونه‌ی کفایت‌گم نظیر حجت الاسلام خامنه‌ای در امور نظامی منحصر به فرد نیست. آیت‌الله موسوی اردبیلی در چند ماهی که سرپرستی بنیاد مستضعفان (مستضعفین سابق) را به عهده داشت، چنان کفایتی از خود نشان داد که نه تنها به دادستانی کل کشور ترفیع مقام یافت، بلکه بلافاصله پس از خروج ایشان از مدیریت بنیاد، به گفته‌ی مقامات حکومت، بیش از ۸۰۰ پرونده‌ی اخلاص در بنیاد درست شد.

کفایت استاد اعظم حزب جمهوری اسلامی، آیت‌الله بهشتی، نیازی به شاهد آوردن ندارد و رنگ و بوی دادگستری دست‌نخست ایشان زبانه‌زاد است. کفایت محمد علی رجائی رئیس‌الوزرا، مردی که در سی توجیهی به انگور و برتقال و تعهد به مکتب‌راه خلفای راشدین را می‌رود، رفته رفته حتی مخالفانش را هم مجذوب می‌کنند.

در این هنگامه، کفایت بارز مجلس اسلامی از همه بیشتر به چشم می‌خورد. نزدیک به دوست شخصیت اسلام - شناس، بی‌راز یک سال و اندی انکار دست‌به‌دعا بسر - داشته‌اند که مگر از آسمان وحی برسد و گرنه تکلیف آنها با این خلق منتظر معجزه چه می‌شود؟ حتی این کار هم که چگونه زنگوله را به گردن گریه‌بندازند و بسه رای - دهندگان محترم حالی کنند که نه مالکیت حدود دارد و نه زمینهای ما لکنین بزرگ قابل تقسیم است، مدالینه کفایت می‌خواهد.

اکنون مردان با کفایت در صحنه‌اند. (البته گاهی گفته می‌شود که مردم در صحنه‌اند، اما گویا بدلیل ناآشنائی با تکنولوژی کفار، صحنه با برده عوضی گرفته می‌شود؛ آن که بر صحنه است، "روحانیت مبارز" است و آن که بر برده است، یعنی در واقع فیلم شسته، مردم اند (میزان کفایت آنها به اندازه‌ی کافی روشن شده اما میزان نیروئی که آنها در روزهای آینده برای چسیدن و باقی ماندن براریک‌ی قدرت نشان خواهند داد قطعی تازه را در این دیکتاتوری خون‌بار خواهد گشود.



تهاجم...

توسط آخوندها و ملایان و شرکاء آنان در حاکمیت و فداره بندان تمام شد. کمونیستها سهیوجه نباید ولو بیگ لحتله از کار میان نوده‌های وسیع مردم غافل شوند و از این طریق صحنه را بار دیگر برای نیروهای دیگر خالی بگذارند. تا وسیعترین فعالیت‌های سیاسی ممکن در بین نوده‌های زحمتکش انجام نگیرد تا حمایت و پشتیبانی عملی آنان طلب نشود، تا تبدیل پرولتری تبلیغ و شناسا - نده و نوده‌گیر نشود انقلاب - البته انقلابی برهبری و تحت‌برنامه‌ی طبقه‌ی کارگر که فقط انقلاب اجتماعی (سوسیالیستی) میتواند باشد - تحقق نخواهد یافت و حداکثر اینکه موج عظیم حرکات و تلاطمات نوده‌ای بسه انقلاب سیاسی دیگری بزعامت دیگر جناحهای خرده‌بورژوازی و یا بورژوازی خواهد آنتانید و خاطره‌ی ۲۲ بهمن را البته به شکل و گونه‌ی دیگری تجدید خواهد کرد. باید روشن کرد که علیرغم همه‌ی مبارزات و فعالیت‌های کمونیستها در گذشته، آنها نه در کل، و نه در جزء هنوز تبدیل اجتماعی نیستند. نوده‌ها نه برنامه‌ی آنها را میشناسند و نه حاضرند تحت‌امری ناشناخته فعالیت کنند. آری تبدیل پرولتری هنوز در مقیاس نوده‌ها - ناشناخته و گمنام است.

کمونیستها باید تبدیل اجتماعی شوند و این ممکن نیست مگر از طریق شناساندن خود در سطح جامعه. کمو - نیستها برای اینکه تبدیل آنها در مقیاس - سوده‌ای شناسانده شود، باید در همه‌ی فعالیتها حضور سیاسی داشته باشند، باید رژیم و همدستان گذشته و حال آنها را هم اشاء کنند باید در مسائل مختلف نظر شخصی خود را ارائه دهند و باید خود را با نیروهای دیگر - ایوزیسیون از جمله "لیبرال" ها منحنی و دقیق نمایند. این تنها راه ممکن برای ادبیت سیاسی نوده‌ها و جلوگیری از سقوط آنان به‌راشیب توهمات تازه و بدیلیهای کاذب است.

به اعتقاد ما، کمونیستها ضمن فعالیتهای متحد عملی باید به یک حداقل پلاتنفرم سیاسی مشترک دست یابند پلاتنفرمی که بیان مضمون و جهت فعالیتهای سیاسی روزو دارای مرزبندی با سایر جریان‌ها تا پوزیسیون باشند. بدون برنامه‌ی سیاسی و کارمتمد عملی، نوده‌ها از ما حمایت نخواهند کرد و بدون پشتوانه‌ی نوده‌ای، ما هرگز تبدیل اجتماعی نخواهیم شد. در شرایط فقدان بدیسل اجتماعی چپ، یا اساسا انقلاب، صورت نخواهد گرفت و یا انقلاب سیاسی گذشته بنوعی دیگر تکرار خواهد شد. تکراری که با نتایج و پیامدهای آن آشنایی کامل داریم. پس شعار ما این خواهد بود:

پیش سوی اتحاد عمل نیروهای چپ، پیش سوی دفع حملات سیمانه‌ی رژیم از طریق سازماندهی مقاومت سوده‌ای و دست‌بازیدن به تعرض انقلابی، پیش سوی درهم‌شکستن پیله‌ی محدود خودتبدیل شدن به یک نیروی اجتماعی، پیش سوی تدارک انقلاب سوسیالیستی!



رفقا!  
در تکتیر  
و پخش رهائی  
بگوشید!

هسته‌های مقاومت توده‌ای را سازمان دهیم



◀ احمدآباد ▶

■ هفته گذشته، گروهی با سادار بقصد ویران کردن آرامگاه دکتر مصدق به احمد آباد امیروند، ولی پس از کتک خوردن توسط اهالی منواری میشوند. مردم محل از آن پس بدور نوبتی از آرامگاه مصدق محافظت میکنند.

رژیم جمهوری اسلامی و پاسداران جهل بسا اینکار خود یکبار دیگر نفرت و دشمنی خود را با مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما در گذشته به نمایش گذاشتند. و راستی که از رژیمی که حتی قبل از به دست گرفتن حکومت به معامله با امپریالیسم آمریکا متعول بوده، بیش از این انتظاری نمیرود. در جایی که آیت الله خمینی تلویحا از کودتای ۲۸ مرداد دفاع میکند و میگوید من کنتسم آن آقا سیلی خواهد خورد و خوردن آقا از یاد و نگاه رژیم انتظاری بیش از این میروند؟

◀ تهران ▶

■ بعد از دستگیری و کشتار های وحشیانه روز شنبه، مدعا نفر از خانواده های زندانیان سیاسی و شهدا به زندان اوین هجوم میآورند تا موفق به کسب خبری از زندانیان خود شوند. پاسداران که از تجمع مردم به وحشت می افتند سعی میکنند با رگبار هوایی و زمینی و با ضرب و شتم پدران و ما-

دران زندانیان سیاسی را متفرق کنند. در دستگیری های چند روز اخیر ده ها نفر بشدت زخمی شده اند. طبق آخرین اخبار، خیابان مستهبی به زندان اوین توسط دوخیمان رژیم سدود شده و هیچگونه اجازه ملاقات به خانواده زندانیان سیاسی داده نمیشود. امروز ۶ تیرماه نیز روزنامه های قلم به مسزود رادیوی رژیم اعلام کردند که زندان اوین فعلا تعطیل است و این در حالیست که امروز نیز خانواده های زندانیان تجمع کرده و خواهان ملاقات هستند.

■ شماره برخی از اتومبیل های کمیته ها، پاسداران و سایر ارگانهای سرکوب که در سازماندهی حمله به نظارات شنبه ۳۰ خرداد شرکت داشتند، بشرح زیر است:

محدوده میدان بلوار: پیکان قهوه ای کمرنگ شماره ۱۵۴۲۷ تهران ۲۶، پیکان سبز کاهوئی شماره ۳۶۹۴۷ تهران ۲۵، پیکان رنگ بژ شماره ۱۵۶۱۹ تهران ۲۶.

محدوده سه راه تخت طاووس: مصدق: پیکان سفید شماره ۱۵۴۶۵ تهران ۲۶، فیات آبی شماره ۱۴۷۴۱ اصفهان ۱۱ (متعلق به «ادی غفاری فاشیست»). همچنین به گزارش "کار" نشریه سازمان چریکهای مدافع خلق ایران اتومبیل های زیر در دستگیری مردم شرکت داشتند:

پیکان قرمز شماره ۱۲۲۸۷ تهران ۲۱، پژو سفید ۶۶۱۹۳ تهران - م، پیکان استیشن شماره ۱۲۹۶۷ تهران ۵۱.

طبق همین گزارش اتومبیل های کمیته عبارت بودند از: بنز سر مه ای ۱۳۶۶۵ تهران ۲۶، بنز سر مه ای شماره ۱۳۶۷۱ تهران ۲۶، بنز زرد رنگ شماره ۱۳۶۶۳ تهران ۲۶.

■ پنج شنبه ۶۰/۴/۴

جلسه ای در باشگاه افسران پادگان ونک برآ قرعه کشی زمین بین ۵۰ افسر تشکیل میشود. در ابتدای جلسه حاضرین متوجه میشوند که

دستجات او باش، مزدوران رژیم و محلهای تجمع آنان را شناسائی کنید

← اورودیه →

جمعه ۶۰/۴/۵

بیدادگاه جمهوری اسلامی در اینروز ۸ تن از زندگان قهرمان کرد را در برابر جوخه های اعدام قرار داد و صفحه ننگین دیگری از تاریخچه شوم جمهوری اسلامی را با خون رفقای شهید مصطفی پورآذر ، کریم بلوری ، سعید سیکاشلی ، سعد عباسی ، رحمان شنگه پور ، جعفر سیکازی ، مصطفی بگری و اسماعیل آقچه مسجدی ، رقم زد .  
یادشان گرامی باد

← شیراز →

در چند روز اخیر پاسداران ۳-بدست جمهوری اسلامی به خانه های مبارزین حمله ورشد و چندین تن را دستگیر کرده اند . هم چنین تعدادی به " جرم " پخش اعلامیه و فروش نشریات انقلابی دستگیر و روانه های سیاه جالهای اسلامی شده اند . علیرغم تمام وحشیگریهای عمده اکره های رژیم جمهوری اسلامی خبرهای رسیده حاکیست که مبارزین انقلابی هم چنان در مقابل جو ترور و خفقان ایستادگی کرده و به مبارزه ادامه میدهند .

**رفقا! هواداران!  
در تکثیر و پخش  
رهائی بگوشید**

قرابتی (آخوندی که در تلویزیون جلسات با مصطلاح تدریس دارد) قصد سخنرانی برایشان را داده در این هنگام پرسنل حاضر در جلسه هو کنان سالن را تخلیه میکنند . تیمسار فرمانده پادگان عده ای از سر بازان را جمع میکند تا قرابتی بتواند برای آنها سخنرانی کند . ولی پرسنل معترض بهیچ عنوان حاضر نمیشوند به سخنرانی گوش دهند .

← بندرانزلی →

بندنیال تظاهرات شنبه ۳۰ خرداد ، پاسداران چهل و سرمایه خانه های مبارزینی که از قبضه سل شناسائی شده بودند ، هجوم برده و عده ای را دستگیر کرده اند .  
رژیم جمهوری اسلامی با این اعمال خریستش دقیقاً خاطره خانه گردی های دوران سیاه آریامهری را در اذهان زنده میکند و این ولیفقه ساعسی مردم مبارز امیران است که بهر طریقی ممکن در مقابل حمله وحشیانه پاسداران به خانه های مبارزین ایستادگی کرده و آنان را یاری رسانند .

← بندرعباس →

پنج شنبه ۶۰/۴/۴  
کشتار انقلابیون در چهارگوشه کشور ادامه دارد . سحرگاه امروز رکنار مطلسلهای جلادان جمهوری اسلامی انقلابی دیگری را به خاک و خون کشید . شهید علی احمدزاده به " جرم " مبارزه علیه امپریالیسم ، به " جرم " مبارزه علیه استبداد و اختناق ، به " جرم " مبارزه برای آزادی ، به " جرم " مبارزه علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به جرمه اعدام سیرده شده . دیسرها خواهند بود روزی که خلقهای آگاه ایران انتقام خون تمامی شهیدان راه آزادی را بازستانند .  
یادش گرامی باد

**مبارزه با امپریالیسم جدا از مبارزه با سرمایه داری نیست**